

گزارش

پترائوس شرح وظایفش را در افغانستان باز نویسی می کند

به نظر می‌رسد ژنرال دیوید پترائوس در حال ایجاد یک محور استراتژیک در افغانستان است که با توجه به نقش «سرباز- سیاستمدار» وی که در عراق داشت، مکمل ماموریت اصلی او به عنوان فرمانده نظامی است.او در عراق به عنوان رابط عوامل سیاسی و نظامی فعالیت می‌کرد. روزنامه واشنگتن پست در گزارشی با عنوان «پترائوس شرح وظایف خود را در افغانستان باز نویسی می‌کند» می‌نویسد: «ژنرال دیوید پترائوس فرمانده نیروهای امریکایی- ناتو در افغانستان از مدت‌ها پیش با این طرز فکر که جنگ‌ها در جوامع قبیله‌ای به ناچار ترکیبی از مذاکره و گلوله است، موافق بوده است. وی سه نظامیان شیعه و سنی را در عراق تحت فشار قرار داد و در عین حال راه‌های جدیدی به آنها برای یافتن مسیری برای سازش با دولت تحت حمایت امریکا گشود. این فرمانده امریکایی، چهار ماه پس از آنکه به سمت فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان منصوب شد، در حال اتخاذ همین رویکرد دوجانبه در کابل است. او در حال ترتیب دادن حملات و عملیات‌های ویژه و بمباران بیشتر علیه فرماندهان طالبان است. او همچنین در حال گفت‌وگوهای بیشتری نیز هست، و این به آن معناست که مذاکرات سازش حامد کرزی رئیس‌جمهور افغانستان را با مقامات طالبان تایید می‌کند و به عنوان اقدامی در جلب اعتماد، امنیت رهبران طالبان در ورود به کابل و بالعکس را تضمین می‌کند. تمامی اینها خارج از شرح وظایف پترائوس است و مثالی بر چگونگی استفاده وی از عوامل عجیب و غریب در ارسال پیام‌های آشتی‌جوانه حتی در زمانی است که وی میزان حملات را بیشتر کرده است. پترائوس در بغداد یک شبکه مخفی غیرمعمول از مشاوران عرب ایجاد کرد که می‌توانست دیدارهای شبانه با نوری المالکی نخست‌وزیر عراق و دیگر افراد داشته باشد تا نظر آنها را به طور خصوصی درباره مسائلی جلب کند که مقامات عراقی و دیگران به طور علنی به آنها اذعان نمی‌کردند. این رویکرد کاملاً مناسب جوامعی است که کمک به حفظ وجهه دیگران جنبه اصلی سازش کردن است. با توجه به جایگاه پیشرو سیاسی و نظامی پترائوس، او می‌تواند روندی برای هدایت گروه‌های مختلف طالبان به سمت سازش سیاسی ایجاد کند.



جنبه دیپلماتیک این بازی بستگی به توانایی پترائوس در ضربه زدن با قدرت ویران کننده خود به کسانی دارد که مخالف می‌کنند. به همین علت است که او پاکستان را به شدت تحت فشار قرار داده تا عملیات‌های خود را علیه شبکه حقانی که در مناطق قبیله‌ای شمال غرب پناه گرفته‌اند و نیز علیه شبه‌نظامیان شورای کوئته طالبان که در بلوچستان در جنوب غرب پاکستان فعالیت می‌کنند، افزایش دهد. به‌طور جالب توجهی هم‌زمان با پیشبرد طرح «مذاکره- شلیک» پترائوس، ما کمتر در مورد استراتژی ضدفعالیت‌های شبه‌نظامیان که گمان می‌رفت مشارکت بزرگی وی در کترتین نظامی امریکا باشد، می‌شنویم. اگرچه پترائوس در نوشتن این دکترین در سال ۲۰۰۶ کمک کرد، اما این امر بیشتر یک رویکرد اساسی است تا استراتژی مکررآمیزی که در واقع وی هم در عراق و هم در افغانستان استفاده کرده است. با توجه به مقررات اساسی عملیات‌های ضدشبه‌نظامیان که «حمایت از جان غیرنظامیان» است، پترائوس و معاونانش هنوز در حال اعمال این رویکرد «مردم‌محور» در استان‌های قندهار و هلمند هستند! اگرچه مقامات ارشد نظامی اظهار می‌کنند این رویکرد تاکنون موفقیت کمی داشته است اما عملیات واقعی «دشمن‌محور» بوده است؛ به این معنا که عملیات‌ها را برای دستگیری و کشتن رهبران طالبان هم‌راستا با حمایت از تلاش حامد کرزی رئیس‌جمهور افغانستان در برقراری روابط سیاسی با طالبان، تشدید کنند. باراک اوباما رئیس‌جمهور امریکا از ماه دسامبر به رویکرد ضدشبه‌نظامی خاتمه داده است و هم‌اکنون ناظر آن است که فرمانده وی (پترائوس) استراتژی‌ای را پیاده کند که بزرگ‌ترین دستاوردهایش از تاکتیک‌های ضدتورم‌زنی ناشی می‌شود:از جمله حملات شبانه خانه به خانه از سوی فرماندهی عملیات‌های ویژه مشترک (JSOC)، ضرب‌المثلی در این مورد وجود دارد که می‌گوید «گرگ در لباس بره» که ماهیت متغیر پترائوس را نشان می‌دهد. طبق اعلام نیروهای اطلاعاتی ویژه، بازگویی‌های اخیر عملیات‌ها که به درخواست پترائوس انجام شد حاکی از آن است که ۹۰ درصد از موفقیت‌های عملیاتی در افغانستان حاصل کار پنج درصد از نیروهاست و مهم‌ترین این نیروها، گروه‌های مخفی JSOC هستند.

بزرگ‌ترین چالش پیش روی پترائوس از همان ابتدا، مشکل زمان بوده است. نارضایتی وی از جدول زمانی اوباما برای آغاز خروج نیروهای امریکایی از افغانستان در ژوئیه ۲۰۱۱ از همان ابتدا مشخص بود. به نظر می‌رسد، پیامی که این اقدام به‌ه طالبان ارسال می‌کند و نیز بی‌ارزش شدن استراتژی سیاسی- نظامی وی، پترائوس را بیشتر نگران می‌کند تا کاهش برنامه‌ریزی‌شده نیروها. کدام دشمن قبیله‌ای با ابرقدرتی که خروج خود را اعلام کرده، مذاکره می‌کند؟ پترائوس و مشاوران او برای حل مشکل، زمانی ژوئیه ۲۰۱۱ به نکتہ زیر زانهای رسیده‌اند. او در حال ترغیب ناتو است تا در نشست ماه اِین سران در لیسبون روی موضوع جدول زمانی پیشنهادی کرزی مبنی بر واگذاری مسوولیت‌ها به نیروهای افغان تا سال ۲۰۱۴ متمرکز شوند. این مساله اثرات خوشایندی برای پترائوس دارد چراکه اولاً، سه سال به زمان وی اضافه می‌کند و ثانیاً، اعتبار بیشتری به استدلال وی در مورد لزوم سازش طالبان با کرزی می‌دهد.

بلوا برای دوسال

راجر کوهن

ترجمه: نزهت امیرآبادیان

راجر کوهن خبرنگار و ستون‌نویس نیویورک تایمز در جریان اعتصاب کارگران فرانسوی در اعتراض به افزایش سن بازنشستگی به فرانسه سفر کرده است. به گزارش وب‌سایت ورلد سوسیال، او به دلیل حمایت از سیاست‌های راست‌گرای نیکلا سارکوزی در فرانسه با استقبال روبه‌رو نشد و مورد ضرب و شتم معترضان قرار گرفت. او پیش از سفر به فرانسه نیز گزارش‌هایی را در مورد فواید اصلاحات سارکوزی نگاشته بود که فرانسویان را به خشم آورد.

به فرانسه خوش آمدیدا!همین که قطار من از کاتالی که بریتانیا را به قاره اروپا متصل می‌کرد، بیرون آمد این خبر اعلام شد: به دلیل اعتصاب عمومی، راه‌آهن و سروس‌های دیگر مختل خواهد شد. اتحادیه‌های کارگری و بچه‌های دبیرستانی سیج شدند. پالایشگاه‌های نفت در اعتصاباند و بیش از یک میلیون نفر در خیابان‌ها به مخالفت با سیاست‌های دولت مبنی بر افزایش سن بازنشستگی از ۶۰ به ۶۲ سال برخاسته‌اند. این جنبش بخش وسیعی از جامعه را در مقابل سیاست‌های دولت راست‌گرای نیکلاسارکوزی به میدان آورده است. این اعتراضات در واکنش به سیاست‌های دولت‌های اروپایی از اسپانیا تا بریتانیا بر گزار شده‌است- حتی در سوئد آخرین نهفتست سوسیپال‌دموکراسی- این مبارزه برای لغو سیستم رفاه اجتماعی از گپواره تا گور و اعتراض به سیاست‌های ریاضت اقتصادی بخش برخی دولت‌های اتحادیه اروپا در پیش گرفته شده است. من به کرستین لاگارد وزیر اقتصاد فرانسه دیدار کردم. او با حالتی تهاجمی به من گفت: «بله، ما بر سر موضوع خود ایستاده‌ایم» و سپس آمار و ارقام را برای من بازگو کرد: «کنون ۱۵ میلیون بازنشسته داریم- هر سال ۷۰۰ هزار نفر دیگر به آنها اضافه می‌شود- حدود ۱/۵ میلیون نفر یعنی ۱۰ درصد از آنها، تمامی حقوق بازنشستگی‌شان را زودتر از موعد دریافت کرده‌اند. ما نمی‌توانیم به این روش ادامه دهیم.» از سال ۱۹۵۰، و پس از تدوین قوانین رفاه اجتماعی امید به زندگی در فرانسه به میزان ۱۵ سال افزایش یافت. فرانسوی‌ها در

اکنون یک هفته از آغاز اعتصاب و تظاهرات در فرانسه در اعتراض به اصلاح نظام بازنشستگی می‌گذرد. مهم‌ترین مشارکت‌کنندگان در این اعتصاب سراسری، کارکنان شرکت‌های حمل و نقل عمومی، پالایشگاه‌ها، کامیون‌داران و سندیکاهای کارگری هستند. به نظر می‌رسد دولت فرانسه قصد ندارد تصمیم خود مبنی بر بالا بردن حداقل سن بازنشستگی از ۶۰ به ۶۲ سال را تغییر دهد. نیکلا سارکوزی رئیس‌جمهور فرانسه جلسه‌ای را با نخست‌وزیر و تعدادی از وزیران برای بررسی سوخت‌رسانی در شرایط اضطراری برگزار کرد. سارکوزی پیش از این، اصلاح نظام بازنشستگی را یکی از اولویت‌های خود در پایان ریاست‌جمهوریش شرایطی از این مزایا بهره‌مند بودند که هنوز در چین کسی معنای بازنشستگی و زندگی بر اساس کارت‌های اعتباری را نمی‌دانست. پیشنهاد من به فرانسوی‌های معترض این است که از مردم امریکا در مورد هجوم بدهی وام‌پایشان یا یونانی‌ها در مورد بودجه‌های نامتعادل‌شان سوال کنند. این تغییرات کشنده نیستند. فرانسوی‌ها بیابید واقع‌بین باشیم، من به این دلیل ایمن را می‌گویم که فکر می‌کنم سرمایه‌داری اروپایی با خو گرفتن به حقوق بازنشستگی، هنگام سلامتی، آموزش و بیکاری مرده است. و این روشن است که تنها راه نجات، حفظ هسته دولت رفاه همراه با انجام اصلاحات در دولت است. اتحاد جوامع اروپایی بسیار ارزشمند است. زیاده‌خواهی جوامع را نمی‌سازد اما اصلاحاتی که شامل انتخاب‌های دشوار همراه با آگاهی باشد تنها راه چاره فروپاشی است و تنها پس از آن است که فرانسوی‌ها می‌توانند با واقعیت سرمایه‌داری لجام‌گسیخته که کابوس مشترک آنهاست، روبه‌رو شوند- آنها امریکا را نماد این سرمایه‌داری می‌دانند- این یک آزمایش کلیدی برای سنجش توانایی فرانسه برای معقول بودن در مورد اقتصاد عمومی، معقول بودن برای در دست گرفتن آینده و آشفته نکردن آن با قرض است. لاگارد گفت: اخراج برخی از افراد احزاب سوسیالیست مخالف به دلیل بی‌مسئولیتی بوده است. او با افسوس گفت آرزو می‌کنم بتوانیم ثابت کنیم که

جهان



□

عنوان کرده بود. در حالی بحران در عرصه استراتژیک حاصل و نقل افزایش یافته و خشونت‌ها نیز بالا گرفته است که بیشتر آنها از طرف دانش‌آموزان دبیرستانی بود که هیچ‌ا ارتباطی با سندیکاها نداشتند و به روایت دولت، تنها برای «خراب کردن» آمده‌اند. رانندگان کامیون نیز وارد عرصه شده و راه‌های منتهی به انبارهای نفتی را بسته و با تکیه بر «عملیات لاک‌پشتی» اتوبان‌ها را بند آورده‌اند. این کامیون‌ها با آهسته حرکت کردن در اتوبان‌ها عملاً عبور و مرور خودروها در این بزرگراه‌ها را با مشکل وارد عمل شده و دستور داده است از نیروهای ویژه برای بازگشایی اتوبانهای سوخت که در جریان اعتصابات تعطیل شده، استفاده شود.

فرانسه می‌تواند بدون تغییر دلبستگی‌ها، فرهنگ و اجرای خود، سیاست‌های خود را اصلاح کند. آه دلبستگی‌های فرانسوی، فرهنگ و اجزا/ لاگارد ثابت کرده که در مواقع لزوم می‌تواند بسیار حرفه‌ای و زیبا جلوی انفجار عصبانیت سارکوزی را بگیرد. او در هتل دوست‌داشتنی سیگنولی که مشرف به رود سن است، صحبت می‌کرد. با نمای طاقچه‌ای از سنگ کوکو و کتیبه‌ای که روی آن ماری آناتوات را در کنار سگ‌هایش، پیش از آنکه در سال ۱۷۹۳ اعدام شود، نشان می‌داد. این سنگ از پارکی که جایگاه آن بود، برای فروش آورده شده بود چون دولت به پول نقد نیاز دارد و نمی‌تواند از مردم بخواهد که دو سال بیشتر کار کنند. به باور من فرانسه می‌تواند تغییر کند و در عین حال مطالبات اجتماعی را با روح خود در تعادل نگه دارد. مشکل، عدم محبوبیت سارکوزی است. احزاب چپ از سیاست‌های او متنفر هستند و بسیاری از راست‌ها نیز از سبک سیاسی او منزجرند. لاگارد تخمین می‌زند که اصلاحات تا پایان همین ماه به تصویب پارلمان برسد. این اصلاحات در نهایت موجب رشد ۰/۳ درصدی تولید ناخالص ملی و کاهش ۵/۰ درصدی کسری بوجه می‌شود. اینکه آیا این اصلاحات شکنده به ابرهایی که اطراف امریکا را فرا گرفته، کمک می‌کند یا نه. لاگارد به من گفت: من بیشتر از اقتصاد فرانسه، نگران اقتصاد امریکا هستم. روند رشد بیکاری در ایالات متحده اطمینان‌بخش

□

قطار مهاجرسیزی به برلین رسید

اردشیر زارعی‌قنواتی



مغایر با زندگی مدرن از سوی آنان شده است. برای شناخت بهتر بحث‌های جاری در مورد پدیده مهاجرت و جایگاه این طبقات و طیف‌های اجتماعی در جامعه امروز آلمان می‌توان این موضوع را در چهار اپیزود تقریباً هم‌زمان در عرصه سیاسی – اجتماعی این کشور دنبال کرد.

۱ – اپیزود سارانتزین:
اوایل سپتامبر ۲۰۱۰ «تیلو سارانتزین» رئیس‌بانک مرکزی آلمان با انتشار کتاب جنجالی خود «آلمان خود را از میان برمی‌دارد» به نقش مهاجران مسلمان در این کشور پرداخت. وی در کتاب خود این نظریه را مطرح کرد که مسلمانان در تمامی کشورهای اروپایی بدرت سایر مهاجران خود را با جامعه میزبان تطبیق می‌دهند و با تشریح هزینه‌هایی که این مهاجران بر دوش دولت دارند، این روند را برای جوامع اروپایی خطرناک خواند. بلافاصله موسسه «امنید» یک نظرسنجی را به سفارش روزنامه «بیلدام سنونتاگ» در خصوص کتاب سارانتزین انجام داد که در تاریخ پنجم سپتامبر در این روزنامه منتشر شد و نتایج آن موید این بود که بیش از نیمی از مردم آلمان با دیدگاه وی موافق بوده و حدود ۱۸ درصد نیز موافق تشکیل

پنجشنبه ۲۹ مهر ۱۳۸۹

گزارش

معادلات سیاسی و مالی در انتخابات کنگره امریکا

انتخابات کنگره امریکا در ماه نوامبر می‌تواند شکست تاختی برای دولت اوباما در پی داشته باشد. حضور ظاهراً مستقل جنبش «حزب چپ‌ای» و دخالت شرکت‌های امریکایی و چندملیتی در مبارزه انتخاباتی نیز در سرنوشت کنگره بی‌تاثیر نیست. به گزارش دی‌ویچه‌وله انتخابات کنگره امریکا در ماه نوامبر اهمیت زیادی برای دولت باراک اوباما دارد. بنا به نظرسنجی‌های معتبر، دموکرات‌ها در مجلس نمایندگان و مجلس سنا اکثریت خود را از دست خواهند داد و شکست سختی را تجربه خواهند کرد. در انتخابات کنگره امریکا در دوم نوامبر امسال یک‌سوم نمایندگان سنا و تمامی اعضای مجلس نمایندگان برگزیده خواهند شد. نظرسنجی‌های متفاوت نشان می‌دهند شانس موفقیت جمهوریخواهان به دلایل گوناگون در این انتخابات بسیار زیاد است. «حزب چای» که نام خود را از جنبش مردم امریکا در دوران استتقلال از بریتانیا گرفته است، هیچ شباهتی به احزاب واقعی نسل‌دار زیر این گروه فاقد ساختارهای تشکیلاتی یک حزب متعارف است و با توجه به ترکیب طرفداران آن، آری این گروه به سود جمهوریخواهان تمام خواهد شد. جنبش «حزب چپ‌ای» خود را مخالف دولت اوباما می‌داند و خواهان حمایت از «ارزش‌های محافظه‌کارانه» است. این جنبش به شدت مخالف دخالت دولت در امور اقتصادی است. بیشتر درخواست‌های «جریانات سیاسی راست» در امریکا نیز در شعارهای این جنبش بازتاب می‌یابد. موضوعاتی همچون مخالفت با مساله مهاجرت، حمایت از جایگاه سنتی خانواده و اهمیت برجسته دین در زندگی روزمره از جمله این موارد هستند. ساخت «دیوار برلین» میان امریکا و مکزیک برخی ناظران سیاسی بر این باورند که به‌رغم جدایی میان جنبش «حزب چای» و جمهوریخواهان در مبارزات انتخاباتی، این گروه همچون «اسب تروا» نهایتاً به نفع جمهوریخواهان و علیه دموکرات‌ها عمل خواهد کرد. به تازگی جو میلر یکی از نامزدهای حزب جمهوریخواه برای مجلس سنا از ایالت آلاسکا، برای مقابله با مهاجرت غیرقانونی به امریکا، پیشنهاد کرد میان مکزیک و امریکا دیواری مانند «دیوار برلین» ساخته شود. جو میلر همچون سارا پیلز، خود را وابسته به جنبش «حزب چای» می‌داند. او با ذکر موفقیت آلمان شرقی از این تجربه تاریخی گفت: «همچون آلمان شرقی ما نیز از طریق این دیوار



خواهیم توانست جلوی مهاجرت غیرقانونی را بگیریم.» مهاجرت یکی از موضوعات محوری در انتخابات کنگره امریکا به شمار می‌آید. به گفته ناظران سیاسی آنچه در این مقایسه بی‌اطلاعی میلر را آشکار می‌کند، این واقعیت است که «دیوار برلین» نه برای جلوگیری از ورود مهاجران شرقی برپا شده بود. میلر به حکم تیراندازی به فراریان در آلمان شرقی نیز هیچ اشاره‌ای نکرد. تحقیقات درباره درآمدهای مالی «حزب چای» نشان می‌دهد سکای کمک‌های محدود مالی طرفداران، بیشتر کمک‌ها از سوی میلیاردرهایی نظیر چارلز و دیوید کخ صورت می‌گیرد. این دو برادر می‌کوشند به این وسیله از اعمال مالیات‌های زیست‌محیطی بر شرکت‌های خود جلوگیری کنند. رابرت راولینگ از سرمایه‌داران نفیز نیز یکی دیگر از یاری‌دهندگان به جنبش «حزب چای» است. اما کمک‌های این افراد در مقابل کمک روپرت مورداک صاحب امپراتوری رسانه‌ای در امریکا به «حزب چای» ناچیز به نظر می‌رسد. این کمک‌های مالی سالی استفاده فلان «حزب چای» از ده‌ها روزنامه و شبکه‌های رادیو و تلویزیونی است که همگی آنها متعلق به روپرت مورداک هستند.

دخالت شرکت‌های آلمانی در انتخابات کنگره
باراک اوباما در جریان پیکار انتخاباتی، در دانشگاه برلند به شدت حامیان مالی نامزدهای حزب جمهوریخواه را به باد انتقاد گرفت. منظور اوباما «اتاق بازرگانی امریکا» بود که تاکنون بیش از ۷۵ میلیون دلار به جمهوریخواهان کمک کرده است. اوباما تأکید کرد این گونه کمک‌ها «تنها خطری برای حزب دموکرات نیست، بلکه تهدیدی بزرگ برای دموکراسی در امریکا به شمار می‌رود». اما جمهوریخواهان با توجه به سنت موجود در امریکا این انتقادات را بی‌اساس خواندند و آن را ناشی از ناتوانی رقیب در مبارزه انتخاباتی دانستند. دموکرات‌ها بر این باورند که شرکت‌های خارجی، به طور مثال از چین، تأمین کننده مخارج مبارزه انتخاباتی جمهوریخواهان هستند. تاکنون این ادعا به اثبات نرسیده است. روزنامه «واشنگتن پست» در گزارشی می‌نویسد شرکت‌های خارجی از طریق شبب امریکایی خود سلا‌ه‌است که در روند مبارزه انتخاباتی سیم هستند. شرکت‌های آلمانی «بایر»، «زیمنس»، «EADS» و «BASF» در این مبارزه انتخاباتی شرکت دارند. شرکت «تی‌موبایل» آلمان در بخش ارتباطات، با پرداخت صدها هزار دلار در مقام هشتم میان شرکت‌های خارجی جای دارد. کمیسرین نظارت بر انتخابات کنگره نشان می‌دهد ۵۷ درصد از کمک‌های این شرکت آلمانی به دموکرات‌ها ۴۴ خارجی کمک‌کننده در انتخابات امریکا نام آنجوسازی در صد از کمک‌های جمهوریخواهان بوده است. در صدر شرکت‌های خارجی کمک‌کننده در انتخابات امریکا نام آنجوسازی روه‌رو شد و در به جای نبرد. انتخابات مجلس نمایندگان امریکا ۴۴۵ کرسی‌ها در دو سال یک بار برگزار می‌شود. هم‌اکنون دموکرات‌ها ۲۵۵ کرسی و جمهوریخواهان ۱۷۸ کرسی در اختیار دارند. مجلس سنا نیز با مجموع ۱۰۰ کرسی (دو سناتور به ازای هر ایالت) با ترکیب ۵۷ سناتور دموکرات، ۴۱ سناتور جمهوریخواه و دو سناتور مستقل هنوز در اختیار دموکرات‌هاست.